

### بعضی از مراسلات امیر کبیر

بناصرالدین شاه

برای شناساندن نوع فکر و میزان توجه مرحوم میرزا تقیخان امیر کبیر نسبت بمسائل جاریه مملکتی و دقت و غیرتی که او در این راه نشان میداده بیمناسبت ندانستیم که در اینجا يك عده از مراسلات آن مرد بزرگ را خطاب بناصرالدین شاه نقل کنیم .

این مکاتیب منقول است از روی عین خط او و اصل آنها در کتابخانه مجلس شورای ملی باقیست .

- ۱ -

قربان خاکپای همایون مبارکت کردم دستخط همایون زیارت شد ، کاغذهایی که مرحمت فرموده بودید رسید ، در باب تدبیر آصفالدوله بفیروز میرزا حکم شده که آنها را نگذارد بیابند باز هم تأکید میشود .

مقرر فرموده بودید که تازه نیست ، بلی چه تازه تر از این هست که از دست قومهای شما دو روز اصفهانیا لوطی بازی در مسجد شاه در آورده بقدر هزار نفر زن و مرد عارض داد و بیداد کن و پنجهزار نفر تماشاچی جمع کرده الله الله بنا گذاشته بودند که خدا اول و آخرش را میدانست ، باری از فضل خدا و مرحمت شما خوابیداما نمیدانید که بر من چه گذشت ، تفصیل را فردا خاکپای همایون عرض میکنم زیاده جسارت نوزید ، باقی الامر همایون .

- ۲ -

قربان خاکپای مبارکت شوم دستخط مبارک که هایه سعادت و مفاخرت بود زیارت شد، اینکه در سواری بوجود مسعود همایون خوش گذشته زهی آمال این غلام.

مقرر فرموده بودید که با عرض دیروز چرا سوار شدم، خدا بشما دل تنگی ندهد زیرا که خیال مثل درختی است که از خود کرم بیرون می آورد و کم کم می پوساند تا بجزئی صدمه تمام میشود. از دل تنگی سه ساعت بشام مانده سوار شده رفته در عباس آباد جای خورده مراجعت کرده آمدم و مشغول دعای دولت ابد مدت هستم و فکر میکنم و باطراف چاپار و سوار میفرستم بلکه میرزا عبدالحسین حرامزاده را بدست آورم.

دو کاغذ در میان کاغذ های خراسان امروز رسید، هر دو را فرستادم که بنظر همایون برسد، آنکه عباسقلیخانی است هایه دلخوشی و امید است شغف می آورد، آنکه محمد ناصر خانی است آیه یاس است انشاء الله تعالی از فضل خدا و باطن ائمه اطهار و بخت شما نوشته عباسقلیخان معتبر است و مال محمد ناصر خانی حاصلی که دارد مقوی عرض دیشمی فدوی است که منکر اصرار درپورش بوده و هستم انشاء الله خدا کارهای مشکل را آسان میکند باقی الامر همایون مطاع.

- ۳ -

قربان خاکپای همایونت شوم دیشب بنده کمترین هم از محمد علیخان شنیدم که جناب وزیر مختار دولت بهیه روسیه امروز شرفیاب حضور همایونی خواهند شد اما نفهمیدم مطلب دارد یا دیدن محض است اما استدعا دارد که اگر دیدن است چنین مکالمه فرمایند که اگر بعد از اینها مطلبی در جواب و سؤال لازم شود فدوی بگوید که حکم همایون است باور نماید و اگر مطلب عرض نماید امیدوار است که چنان جوابهای حساب درست درعین آرامی و ملایمت بفرمایند که بسیار مستحسن شود

و نقل سیاه‌ها و ایلچی انگلیس نشود که شش ماه است متسل می‌گویند که شاهنشاه راضی بودند تو رفتی برهم زدی اگر چه جسارت بود. الا لازم بود که عرض شد باقی الامر همایون.

- ۴ -

قربان خاکپای همایون مبارکت شوم دستخط همایون زیارت شد مقرر فرموده بودند که فردا يك ساعت بعد از ظهر ایلچی بیاید خبر کردم اما چنان میدانم که بیکار نباشد، بیک دو چیز حدس می‌زنم اگر طرف عصر کاری نداشته باشند بیرون تشریف می‌آورند می‌خواستم عرضی بکنم که مبادا فردا جوابی برخلاف مصلحت دولت خودتان بفرمائید، در باب فقره نانی حضوراً عرض میشود، زیاده جسارت نورزید باقی الامر همایون.

- ۵ -

قربان خاك پای همایون مبارکت شوم دستخط همایون زیارت شد در باب کلیجه برای شخص معلوم حقیقه اگر نیت اینطور آدمها در استدعای لباس تن مبارک افتخار و اعتبار باشد زهی نیت درست زهی سعادت و اگر برای چرچرگری و اخاذی است امریست علی حده. در هر صورت انشاء الله مرحمت می‌فرمایند اما این آدم که من دیدم بی ضرب چهارگاه میرقصد علی‌الخصوص که از نو پیرایه بر او ببندند زیاده جسارت نورزید چند کاغذ رسیده بود در جوف عریضه فرستادم که بنظر همایون برسد باقی الامر همایون.

- ۶ -

قربان خاکپای همایون مبارکت شوم از غروب که آمدم اول دو کاغذ وزیر مختار انگلیس در باب آرامنه و سیاهها رسید که با صد هزار من غسل نمیتوان خورد و مرا بشدت حیران کرده بعد میرزا آقا خان و میرزا محمد علیخان را نزد او فرستاده هنوز برنگشته اند نانیاً از يك سلامت از شب گذشته گراف آمده در باغ موسی جان نشسته که الآن هم آنجاست با کمال تشدد جواب را میخواهد، بمرتضی علی چنان حیران هستم که نه شیری بخاطرم هست نه پدر شیری. بعد از آمدن میرزا

محمد علیخان نوشتجات وزیرمختار را بحضور همایون میفرستم. کاغذ های خراسان را امشب میرزا سعید مینویسد، بعد از تمامی بحضور مبارک میفرستم زیاده جسارت نورزید.

- ۷ -

قربان خاک پای همایونت شوم در باب بنائی عمارت سرکاری مقرر فرموده بودند که کار نمیکند، فدوی هم شنیده ام که امساله در هیچیک از امور بنائی از قبیل عمارت مدرسه نظامیه و سربازخانهها کار نشده است سبب معلوم، از جهت بی پولی است و نوشتجاتی که هر روزه از میرزا عنایت میرسد همانست که بنظر همایون میرسد آه و ناله در باب پول و اینکه تا بحال قریب چهار هزار تومان قرض کرده اند و در اینجا هم اگر وجهی است چنان نیست که معیر خاکپای همایون عرض نماید. این غلام باعتقاد خود اگر عرض نماید که مخارج عید و دو قافله گرگان و خراسان و تدارک و مواجب قشون و همراهان اردو را بچه زحمت سرانجام کرده گمان در عرض خود بی صداقت نباشد نمیخواهد جسارت کرده اجرای خدمت نماید ولیکن آنچه در نوکری توانسته خود داری نکرده است، حالا اگر جائی بی وصول قسطها وجهی برای بنائی یا سایر مخارج سراغ داشت هر گز جسارت نمیکرد و مراتب را برای شرح حال معروض داشت، باقی الامر همایون.

- ۸ -

قربان خاک پای مبارکت شوم احوال این غلام را استفسار فرموده بودند بلی اسب طوری اتفاق افتاد که بی ادبی بسرکار امارت کرد اما خدا رحم کرد از فضل خدا و باطن ائمه اطهار و مرحمت قبله عالم ارواحنا فداه بخوبی گذشت، نه تقصیر خودم بود نه تقصیر اسب، قضا بود والحمدلله که با خواب سرکاری باینطور گذشت اما ملاحظه فرمائید که دیگر از این خوابها برای این غلام نبینید که خودتان از بی نوکری معطل خواهید ماند، برای خنده سرکار همایون که بدانند آسیبی نرسیده اینطور جسارت کرد، زیاده چه عرض شود باقی الامر همایون مطاع.